

تأثیر نقش دولت در رقابت‌پذیری

سیدجمال‌الدین محسنی زنوزی^۱، سیدمیثم اسماعیلی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۲۹

چکیده

نرخ ارز مؤثر حقیقی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل رقابت‌پذیری بین‌المللی تلقی می‌شود. از این‌رو شناسایی منابع تأثیرگذار بر آن در جهت تعدیل نوسان این متغیر در هر اقتصادی بسیار مهم است. بر همین اساس، در این پژوهش به‌دنبال شناسایی تأثیر شاخص نقش تصدی‌گرایانه و حاکمیتی دولت در بلندمدت و کوتاه‌مدت بر نرخ ارز حقیقی مؤثر در اقتصاد ایران با استفاده از رهیافت آزمون کرانه‌ها و کاربرد آن در مدل‌های خود رگرسیون برداری با وقفه‌های توزیعی (ARDL) و داده‌های فصلی برای دوره ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۰ هستیم. متغیرهای بکار رفته در این پژوهش عبارتند از: نرخ ارز مؤثر حقیقی، شاخص نقش تصدی‌گری و حاکمیتی دولت، رشد اقتصادی، درجه باز بودن اقتصاد و درآمد نفتی. به‌طور کلی یافته‌ها، نشان‌دهنده این واقعیت است که افزایش حضور دولت به‌صورت تصدی‌گرایانه در اقتصاد، توان رقابت‌پذیری کالاهای داخلی را در سطح بین‌المللی کاهش داده و برعکس، افزایش حضور دولت به‌صورت حاکمیتی در بلندمدت، توان رقابت‌پذیری کالاهای داخلی را با انواع مشابه خارجی افزایش می‌دهد؛ که نتایج کوتاه‌مدت هم تا حدودی مؤید همین واقعیت است. ضریب تصحیح خطای مدل برابر با $0/۲۶۵-$ می‌باشد و با توجه به نتایج آزمون علیت گرنجری شرطی می‌توان وجود رابطه علیت غیرمستقیم از مجموعه متغیرهای مستقل به نرخ ارز مؤثر حقیقی را در سطح ۵ درصد پذیرفت. با توجه به این یافته‌ها تأثیر بلندمدت دولت بر نرخ ارز مؤثر حقیقی به‌صورت قوی پذیرفته می‌شود.

طبقه بندی JEL : H50,F31, D33

واژگان کلیدی: دولت، شاخص نقش تصدی‌گری دولت، شاخص نقش حاکمیتی دولت، نرخ ارز حقیقی مؤثر، آزمون کرانه‌ها (ARDL)

Email: jmzonuzi@yahoo.com

Email: Mex460@yahoo.com

۱. عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه ارومیه

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته اقتصاد دانشگاه ارومیه

مقدمه

شناسایی رابطه میان تغییرات در موقعیت رقابتی یک کشور و تغییرات در متغیرهای کلان اقتصادی از موضوعات مهم در حوزه اقتصاد بین‌الملل است. نرخ ارز مؤثر حقیقی که تغییر و تحول قیمت‌ها و هزینه‌های نسبی را با یک پول مشترک اندازه می‌گیرد، عمومی‌ترین شاخص استفاده شده برای رقابت‌پذیری است (لیپتزیچ و مک دونالد^۱، ۱۹۹۴). این شاخص، موقعیت رقابتی کشورها را نشان می‌دهد. اگرچه کاربرد آن محدودیت‌هایی دارد و این محدودیت‌ها به نوع داده‌ها و قابل مقایسه بودن آن‌ها بستگی دارد؛ با وجود این، اطلاعات اولیه مفیدی را در زمینه رقابت‌پذیری فراهم می‌آورد. همچنین این متغیر در توسعه اقتصاد کلان تأثیر به‌سزا دارد و بر متغیرهای اساسی اقتصاد کلان یک کشور تأثیرگذار است. از این‌رو، متغیر حساسی برای سیاست‌گذار به‌شمار می‌آید (مجرد و علی رازینی، ۱۳۸۶). در ادبیات نظری اقتصاد کلان، نرخ ارز حقیقی تعادلی، تابعی از عوامل حقیقی تغییرپذیر است. یکی از عواملی که تأثیرگذاری بسیار زیادی بر نرخ ارز حقیقی دارد، دولت است. هامبرمایر و ماسکویت^۲ (۱۹۹۹) درباره رابطه بین مخارج دولت و نرخ ارز مؤثر حقیقی در بلندمدت به این مسئله اشاره دارند که آثار افزایش مخارج دولت بر نرخ ارز حقیقی گذرا بوده و نرخ ارز حقیقی تعادلی بلندمدت را متأثر نخواهد ساخت، مگر اینکه افزایش مخارج دولت باعث ایجاد اختلالاتی با آثار بلندمدت شود. بنابراین تصمیمات دولت از طریق نحوه تخصیص مخارج بین کالاهای قابل مبادله و غیرقابل مبادله و نوع مالیات‌های وضع شده، نرخ ارز حقیقی تعادلی بلندمدت را متأثر می‌سازد (اولیویر و روبرت^۳، ۲۰۰۱).

اما این که میزان این مخارج چقدر باشد و یا به‌عبارتی میزان دخالت و اندازه دولت در اقتصاد چقدر باشد، همواره مورد بحث و جدل بوده و است. درخصوص موضوع کوچک‌سازی دولت و اجرای خصوصی‌سازی در اقتصاد، از گذشته تاکنون مکاتب مشهور اقتصادی همواره بر سر میزان و نوع دخالت دولت در عرصه اقتصادی با یکدیگر بحث و جدل داشته‌اند و با تحلیل‌های اقتصاد خرد به واکاوی آثار این ورود بر شاخص‌های رشد اقتصادی، تورم، بیکاری، نرخ ارز و ... پرداخته‌اند (متوسلی، ۱۳۷۳).

به‌طور کلی دخالت دولت در اقتصاد به دو صورت امکان‌پذیر است؛ حالت اول، نقش تصدی‌گری دولت به‌معنای در دست داشتن مالکیت و مدیریت بنگاه‌های اقتصادی است، به‌نحوی که سیطره دولت حتی در توزیع کارکردی نیز به‌شدت گسترده بوده است. حالت دوم، نقش حاکمیتی و سیاست‌گذاری کلان است که این نقش بیشتر به وظیفه نظارت، برنامه‌ریزی کلان، سیاست‌گذاری راهبردی، کنترل و تنظیم بازارها و توازن اقتصادی - اجتماعی تأکید دارد (صادقی شاهدانی، ندری و قلیچ، ۱۳۸۸).

سؤال اصلی این است که دولت برای بهبود توان رقابتی کالاهای تولیدشده در داخل باید به چه نحوی به صحنه امور اقتصادی وارد شود. آیا افزایش نقش تصدی‌گری و حاکمیتی دولت منجر به بهبودی توان رقابت‌پذیری کالاهای داخلی می‌شود؟

1. Lipschitz, and Mc Donald
2. Habermeier & mesquite
3. Olivier and Roberto

این پژوهش سعی می‌کند با یک تحلیل پویای رگرسیونی توسط الگوی ARDL و با استفاده از رهیافت آزمون کرانه‌ها، پاسخ مناسبی برای این پرسش بیابد.

این پژوهش با استفاده از متغیرهای نرخ ارز مؤثر حقیقی، شاخص نقش تصدی‌گری و حاکمیتی دولت^۱، رشد اقتصادی، درجه باز بودن اقتصاد و درآمد نفتی ایران در سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۰ و به‌کارگیری داده‌های فصلی سری زمانی موجود، به برآورد تأثیر نقش دولت بر نرخ ارز مؤثر حقیقی در بلندمدت و کوتاه‌مدت پرداخته شده است.

این مقاله به پنج قسمت اصلی تقسیم‌بندی می‌شود که قسمت اول اختصاص به ادبیات موضوع دارد که در آن مباحثی همچون مفهوم رقابت‌پذیری، تعریف دولت و نقش‌های آن در جامعه، نقش دولت در تئوری-های مختلف اقتصادی و تعریف مختصری از نرخ ارز مؤثر حقیقی گنجانده شده است. در بخش دوم به منتخبی از مطالعات انجام گرفته در داخل و خارج اشاره شده و در قسمت سوم متغیرهای مورد مطالعه تشریح شده است. قسمت چهارم این پژوهش هم اختصاص به برآورد مدل و تشریح نتایج داشته و در انتها هم به نتیجه‌گیری و سیاست‌گذاری در مورد ورود دولت به اقتصاد و تأثیر آن بر رقابت‌پذیری کالاهای داخلی ختم می‌شود.

۱. ادبیات موضوع

تنوع گسترده مفاهیم در ادبیات اقتصاد می‌تواند تا حدودی آنچه را که به وسیله شاخص‌های خاص طرح شده است، توضیح دهد. میزان رقابت‌پذیری بسته به اینکه از آن برای تحلیل سیاستی در یک کشور خاص استفاده می‌شود یا برای هدف رتبه‌بندی کشورها، ممکن است متفاوت باشد؛ برای مثال شاخص رقابت‌پذیری در سطح کلان که در گزارش رقابت‌پذیری جهانی ارائه می‌شود، برای رتبه‌بندی تمام کشورهایی که داده‌های آن‌ها قابل دسترس است، مورد استفاده قرار می‌گیرد. این رتبه‌بندی می‌تواند سرمایه‌گذاران بین‌المللی را در انتخاب مکان‌های مناسب سرمایه‌گذاری و همچنین بانک‌ها را در ارزیابی ریسک یک کشور خاص، راهنمایی کند. همچنین رتبه‌بندی مذکور می‌تواند برای سیاست‌گذاران درباره نقاط ضعف و قوت فضای یک کشور خاص و درباره جوانب رقابت‌پذیری، اطلاعاتی ارائه کند (مجرد و علی رازینی، ۱۳۸۶).

بنابراین شاید بهترین نسخه شناخته‌شده از مفهوم کلان رقابت‌پذیری، شاخص رقابت‌پذیری جهانی باشد که توسط مجمع جهانی اقتصاد^۲ و مؤسسه توسعه مدیریت^۳ به‌طور سالیانه محاسبه و منتشر می‌شود و

۱. لازم به ذکر است که کلیه پرداخت‌های عمرانی و جاری دولت جزء فعالیت‌های تصدی‌گری و حاکمیتی قرار نمی‌گیرد؛ ولیبه علت پرهزینه بودن جداسازی پرداخت‌های عمرانی و جاری غیرتصدی‌گرایانه و حاکمیتی (که نسبت زیادی نیز نیست) از میزان کل پرداخت‌ها، بنابه حکم اکثریت، این دسته از پرداخت‌ها به‌عنوان شاخصی برای اعمال تصدی و حاکمیت دولت انتخاب شده است.

2. World Economic forum 3. Institute for Management Development (IDM)

برای رتبه‌بندی بین‌المللی کشورها برحسب وضعیت تجاریشان بکار می‌رود (اکارد^۱، ۲۰۰۳). برای محاسبه این شاخص حدود ۳۲۱ معیار جزئی‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد. از این تعداد حدود ۷۸ معیار به اطلاعات زمینه‌ای کشورها بازمی‌گردد که در رتبه‌بندی استفاده نمی‌شوند. مابقی معیارها، یعنی حدود ۲۴۳ معیار به ترتیب شامل ۱۲۷ معیار به‌عنوان داده‌های صریح و ۱۱۶ معیار به‌عنوان داده‌های بررسی‌شده^۲، هستند که در محاسبه رتبه‌بندی بین‌المللی کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرند^۳.

در یک تقسیم‌بندی کلی از ۳۲۱ معیار مذکور، این معیارها به چهار عامل اصلی رقابت‌پذیری تقسیم می‌شوند. عامل اصلی اول به عملکرد اقتصادی مربوط شده و شامل ۷۵ معیار است که این معیارها ارزیابی کلان اقتصاد داخلی را بیان می‌کند. عامل عملکرد اقتصادی نیز به عواملی فرعی مانند اقتصاد داخلی، تجارت بین‌المللی، سرمایه‌گذاری بین‌المللی، اشتغال و سطح قیمت‌ها تقسیم می‌شود. عامل اصلی دوم به کارایی دولت مربوط شده و شامل ۸۱ معیار است که این معیارها حدود و دامنه سیاست‌های دولت را که باعث ایجاد رقابت‌پذیری می‌شود، بیان می‌کنند. عامل کارایی دولت نیز به عوامل فرعی مانند تأمین مالی عمومی، سیاست مالی، چارچوب نهادی، قانون تجارت و بازرگانی و چارچوب اجتماعی تقسیم می‌شود. عامل اصلی سوم به کارایی بازرگانی مربوط شده و شامل ۶۹ معیار است که این معیارها حدود و دامنه سیاست‌های بنگاه را در یک رویه ابداعی، سودمند و پاسخگو بیان می‌کنند. عامل کارایی بازرگانی نیز به عوامل فرعی مانند بهره‌وری، بازار کار، تأمین مالی، مهارت‌های مدیریتی و اثر جهانی شدن تقسیم می‌شود. عامل اصلی چهارم به زیرساخت‌ها مربوط می‌شود و شامل ۹۶ معیار است که این معیارها نیازهای اصلی، فنی، علمی و منابع انسانی که بازرگانی با آن مواجه می‌شود را بیان می‌کنند. عامل زیرساخت‌ها نیز به عوامل فرعی مانند زیرساخت‌های اساسی، زیرساخت‌های فنی، زیرساخت‌های علمی، سلامتی و محیط‌زیست و نظام ارزشی تقسیم می‌شود. در یک تقسیم‌بندی دیگر، هر کدام از عوامل فرعی برشمرده شده به عوامل جزئی‌تری تقسیم می‌شوند که در مجموع همه آن‌ها بر روی هم ۳۲۱ معیار می‌شود (سالنامه رقابت‌پذیری جهانی^۴، ۲۰۰۷).

در بین عوامل مختلف تعیین‌کننده رقابت‌پذیری بین‌المللی، نرخ واقعی و نرخ ارز مؤثر واقعی یکی از مهم‌ترین متغیرهاست. بنابراین ما در این مقاله، مفهوم رقابت‌پذیری بین‌المللی مبتنی بر نرخ ارز مؤثر حقیقی را مورد توجه قرار می‌دهیم. این مفهوم مبتنی بر همان مفهومی است که توسط اقتصاددانان

1. Eckhard Siggel

۲. داده‌های صریح، داده‌هایی هستند که به‌صورت مشخص اندازه‌گیری و محاسبه شده‌اند (مانند تولید ناخالص داخلی، جمعیت و...) و داده‌های بررسی‌شده، داده‌هایی هستند که به نتیجه یک بررسی برمی‌گردند (مانند روابط کار، نظام مدیریتی و...)

3. Institute for Management Development (2003)

4. The World competitiveness year Book

صندوق بین‌المللی پول مانند « لیپ شیتز و مک دونالد^۱ » و همچنین « مارش و توکریک^۲ » ارائه شده است.

۱-۱. تعریف دولت

در مورد تعریف دولت اختلاف نظر فراوانی وجود دارد که آن هم برمی‌گردد به سرشت و وظایف دولت. از این‌رو، گروهی بر جنبه ساختاری و برخی بر جنبه کارکردی آن نظر دارند. عده‌ای براساس ساختار طبقاتی، برخی نظام قدرت و گروهی نظام رفاه و عده‌ای آن را نمایانگر کل جامعه می‌دانند. عده‌ای تضمین‌کننده زندگی جمعی و برخی نهاد اخلاقی و عده‌ای هم از لحاظ حقوقی محض و..... دولت را مورد بررسی قرار داده‌اند. یک عده دولت را شر ضرور (اسپنسر^۳) و عده دیگر آن را شر مطلق (انارشیتست‌ها^۴) پنداشته‌اند.

در مجموع می‌توان گفت معادل انگلیسی اصطلاح دولت، کلمه state و معادل لاتین آن status است. واژه state به معنای ایستاده است و اندیشه استحکام نیز از آن مستفاد می‌شود. دولت به معنای وسیع کلمه عبارت از: جامعه‌ای که در آن قدرت سیاسی طبق قانون اساسی آن جامعه تعیین و توزیع می‌شود. از دیدگاه ماکس وبر^۵، دولت یک نهاد اجتماعی است که به‌نحو موفقیت‌آمیزی مدعی انحصار کاربرد مشروع زور فیزیکی در یک سرزمین است (علی بابائی، ۱۳۶۵) و یا از نظر دال و لنبلوم^۶، دولت عبارت از نهادی است که به‌طور انحصاری مدعی کاربرد مشروع زور فیزیکی برای اجرای قوانین و مقررات خود در داخل یک سرزمین است و می‌تواند انحصار کاربرد قدرت خود را به افراد دیگر محول کند؛ ولی حدود آن را خود تعیین می‌کند. مشکل بتوان زندگی را بدون حضور دولت تصور کرد. زیرا وجود دولت نه تنها مبین وجود مجموعه‌ای از نهادهاست، بلکه حاکی از وجود نگرش‌ها و شیوه‌های اعمال و رفتاری است که مختصراً مدنیت^۷ خوانده می‌شود و جزئی از تمدن به‌شمار می‌آید.

همچنین دولت، نه نهادی بی‌طرف و منفعل است که بتوان آن را نادیده گرفت و نه حاصل تصادف صرف و ساده، بلکه دولت دارای برخی از خصوصیات قدیم و سنتی است که به‌تدریج در طول زمان رشد کرده است. با این حال فهم کامل شکل و ساخت و اندازه دولت نیازمند درک کامل نظریه‌های حقوقی، سیاسی و اقتصادی موجود در این زمینه است.

اصطلاح حکومت^۸ یکی از معمول‌ترین مفاهیمی است که به‌صورت هم معنا با مفهوم دولت به‌کاربرده می‌شود. در واقع کلمه حکومت بسیار قدیمی‌تر از اصطلاح دولت و دستگاه اداری است. معمولاً اصطلاح حکومت در قرون وسطی به معنای فرمان راندن به‌کار برده می‌شد و خود از ریشه لاتینی Gubernator به معنای حکمران مشتق شده بود. اما امروزه حکومت در معنای مناصبی هستند که مسئول تأمین و

1. Lipschitz, Leslie and Mc Donald, Donogh 2. Marsh, Ian. w and Tokarick, Stephen
3. Spencer 4. The Anarchists 5. Max veber
6. Dahel and linblom 7. Civilization 8. Government

تضمین اجرای قوانین می‌باشد. امروزه مفهوم حکومت و دولت را مترادف باهم استفاده می‌کنند؛ گرچه دو ماهیت جدا از هم هستند (وینسنت^۱، ۱۳۸۹).

۱-۲. تقسیم‌بندی نقش‌های دولت

به‌طور کلی نقش دولت در جامعه به دو قسمت تفکیک می‌شود:

۱-۲-۱. تعریف نقش تصدی‌گرایانه دولت

کاهش نقش تصدی‌گری دولت در امور اقتصادی که به‌نام (خصوصی‌سازی)^۲ شهرت یافته است. اصطلاح خصوصی‌سازی به هرگونه انتقال فعالیت از بخش عمومی به بخش خصوصی اطلاق می‌شود. این امر می‌تواند فقط در ارتباط با داخل کردن سرمایه یا فن مدیریت خصوصی در فعالیت بخش عمومی باشد؛ اما نوعاً بیشتر انتقال مالکیت از بنگاه‌های عمومی به بخش خصوصی را شامل می‌شود. خصوصی‌سازی به‌عنوان یک سیاست اقتصادی، بر این عقیده استوار است که مالکیت و کنترل خصوصی از نظر تخصیص منابع نسبت به مالکیت عمومی کاراتر است. در اینجا یک پیش‌فرض وجود دارد و آن اینکه بنگاه‌های دولتی و خصوصی ساختارهای انگیزه‌ای متفاوتی دارند و بنابراین کارایی‌های متفاوتی نیز از آن‌ها منتج خواهد شد. نظریه آکادمیک سنتی از این قرار بوده که وقتی بخش‌های دولتی و خصوصی برحسب هزینه‌های تولید کالاها را مقایسه شوند، بخش خصوصی عملکرد بهتری نسبت به بخش دولتی خواهد داشت که این عملکرد مطلوب می‌تواند به افزایش کارایی و رقابت سالم میان بنگاه‌ها منجر گردد. مصرف‌کنندگان با افزایش کارایی در فرآیند تولید کالاها و خدمات، شاهد کاهش قیمت‌ها یا جلوگیری از افزایش آن هستند.

همچنین، افزایش کارایی و رقابت سالم، باعث افزایش درآمد بنگاه‌ها و شرکت‌ها می‌شود. در نتیجه، میزان کل مالیات وصول شده دولتی افزایش می‌یابد (پژویان، ۱۳۷۳).

علاوه بر موارد بیان‌شده در فوق، خصوصی‌سازی موجب شایسته‌مداری بهتر در سیستم اجرایی و مدیریتی می‌شود و همین امر باعث بهبود بیشتر در بخش تولید می‌شود، که این می‌تواند به‌دلیل وجود بوروکراسی^۳ و قوانین دست و پاگیر و عدم وجود تعهد در بخش دولتی باشد.

اما باید خاطر‌نشان کرد که کاهش تصدی‌گری دولت در امور اقتصادی (در غیاب نظارت و سیاست‌گذاری دولتی و فضای رقابت کامل) اگر با تشکیل شبه انحصارها، گرایش به احتکار و تبعیض بازاری^۴ همراه باشد،

-
1. Andrew Winsente
 2. Privatization
 3. Bureaucracy
 4. Market Discrimination

چون باعث حذف یا کاهش برخی از یارانه‌های خدمات، کالاهای اساسی، غیراساسی و مقطعی^۱ و حذف یا کاهش تدریجی خدمات زیان‌ده^۲ می‌شود، شکاف طبقاتی را گسترش می‌دهد (کولودکو، ۱۳۸۶).

۲-۱. تعریف نقش حاکمیتی دولت

حاکمیت از عنصر تأسیسی دولت و متمایزکننده دولت از سایر انجمن‌هاست. ژان بدن اولین دانشمندی است که تعریف دقیق از حاکمیت ارائه داد. به نظر بدن حاکمیت قدرت برتر و بدون محدودیت قانونی دولت بر شهروندان و اتباع است. در زمان شکست بازار مشاهده می‌شود که اقتصاد بازار نمی‌تواند در مواقع ضروری بدون سیاست‌گذاری‌های دولت تضمین‌کننده شرایط مناسب در جامعه باشد. از طرفی دیگر، وجود انحصار و کارتل‌ها بیانگر این واقعیت است که دولت موظف به اعمال نقش حاکمیتی است. بنابراین، لزوم دخالت دولت برای حداقل‌سازی اثرات منفی موارد شکست بازار تاحدی مورد قبول است. در این بین سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت دولتی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اقدامات حاکمیتی به حساب می‌آید (استرن و استیگلیتز^۳، ۱۹۹۷).

حمایت از کالاهای داخلی و حفظ توان رقابت‌پذیری این کالاها نیز یکی از ارکان حاکمیتی دولت است که در قالب حمایت‌های سیاستی و با استفاده از اعمال محدودیت‌ها و تبعیض مالیاتی صورت می‌پذیرد. یکی از مهم‌ترین نقش‌های دولت که در چارچوب قانون اساسی^۴ و قانون برنامه‌های توسعه به آن اشاره شده است، نقش حاکمیتی دولت است. منافع حاصل از انجام وظایف اعمال سیاست حاکمیت دولت عاید همه اقشار جامعه می‌شود و بهره‌مندی افراد از این نوع خدمات نه تنها موجب ایجاد برای استفاده دیگران نمی‌شود، بلکه تحقق آن اقتدار دولت را نیز افزایش می‌بخشد. مدیریت ملی، وضع قوانین و مقررات، ایجاد نظم و امنیت و استقرار عدالت اجتماعی، ایجاد و ساماندهی بازارها، حفظ نظم و امنیت عمومی، دفاع از مرزها، آموزش و پرورش عمومی و فنی و حرفه‌ای، بهداشت و درمان، تربیت بدنی و ورزش، فعالیت‌های فرهنگی هنری و تبلیغات دینی و مذهبی و از جمله این اقدامات است.^۵

۳-۱. دولت در تئوری‌های اقتصادی

به‌طور کلی چهار نوع دولت در تئوری اقتصادی مطرح می‌شود:

• **دولت نئوکلاسیکی:** در این دیدگاه دولت وظیفه مراقبت و نظارت بر مکانیسم‌های بازار را به عهده دارد. دولت به ترجیحات افراد احترام می‌گذارد و تنها زمانی در اقتصاد دخالت می‌کند که در بازار

1. Cross-subsidies

2. loss making services

3. Stern, N. & J.E. Stiglitz

۴. به‌عنوان مثال اصل‌های ۴۵، ۴۴، ۳۰، ۲۹ و ۴۹ قانون اساسی تکالیف حاکمیتی را برای دولت مقرر کرده است

۵. برگرفته از بند «الف» و «ب» ماده (۶۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری

اسلامی ایران

- نارسای‌هایی به وجود آید. در قالب این دولت فرض بر این است که کارکرد سیستم بازار به‌طور غیرمتمرکز و با توجه به آزادی‌های فردی به نفع جامعه منجر خواهد شد.
- **دولت کینزی:** این دولت عقیده دارد که رها کردن اقتصاد به‌طور آزاد در اختیار مبادلات فردی این امکان را فراهم نمی‌آورد که خودبه‌خود منافع جامعه را تأمین کند. معمولاً دشواری‌هایی وجود دارد که برای حل و فصل آن‌ها همواره همراهی دولت در کنار بازار امری ضروری است. دولت کینزی در عین حال که تمرکز را در اقتصاد محکوم نمی‌کند، دولتی کردن همه امور را نیز تأیید نمی‌کند.
 - **دولت سوسیالیسم:** دولت و بخش عمومی در تفکر سوسیالیسم بخش خصوصی را کنار می‌گذارد. دولت سوسیالیسم عملاً نفع فردی را در نظر نمی‌گیرد.
 - **دولت اسلامی:** دولتی است که خود را موظف می‌داند، علاوه بر توجه به امور عقلانی در اقتصاد حاکم بر جوامع، به‌طور آرام و آزادانه به راهنمایی جوامع در راستای استفاده از اهرم‌های دینی در اقتصاد بپردازد. یعنی دولت تلاش کند فضایی فراهم نماید که مردم با اشتیاق به‌سوی عملی کردن احکام مالی و حقوقی اسلام حرکت کنند (پژویان، ۱۳۶۹).

۴-۱. نرخ ارز مؤثر حقیقی^۱

با توجه به تعریفی که از نرخ ارز واقعی و نرخ ارز مؤثر حقیقی از طرف اقتصاددانان صورت گرفته است، شاخص‌های مختلفی نیز از سوی آنان برای اندازه‌گیری نرخ ارز مؤثر حقیقی ارائه شده است. این شاخص‌ها در چارچوب ادبیات نظری (شاخص عددی) بنا نهاده شده‌اند. مهم‌ترین این شاخص‌ها عبارتند از: نرخ ارز واقعی مبتنی بر قیمت نسبی کالاهای تجاری به کالاهای غیرتجاری، نرخ ارز واقعی مبتنی بر قیمت‌های مصرف‌کننده، نرخ ارز واقعی مبتنی بر ارزش واحد صادرات، نرخ ارز واقعی مبتنی بر هزینه‌های نرمال شده واحد کار در صنعت و نرخ ارز مبتنی بر سودآوری کالاهای تجاری.

در این پژوهش از داده‌های مربوط به نرخ ارز که در سایت IMF وابسته به صندوق بین‌المللی پول^۲ موجود است استفاده شده است. این سایت داده‌های مربوط به نرخ ارز مؤثر حقیقی را بر اساس قیمت‌های مصرف‌کننده محاسبه می‌کند. از این‌رو و در ادامه به توضیح نرخ ارز حقیقی مبتنی بر قیمت‌های مصرف‌کننده می‌پردازیم.

1. Real Effective Exchange Rate
2. International Money Fund

۱-۴-۱. نرخ ارز مؤثر حقیقی مبتنی بر شاخص قیمت‌های مصرف‌کننده^۱

نرخ ارز مؤثر حقیقی مبتنی بر شاخص قیمت‌های مصرف‌کننده غالباً به‌عنوان شاخص مناسب رقابت‌پذیری استفاده می‌شود. با فرض اینکه تمام کالاهای تجاری همگن بوده و در نتیجه قیمت آن‌ها به واسطه تجارت بین‌المللی بین کشورها یکسان باشد، شاخص نرخ ارز مؤثر حقیقی مبتنی بر شاخص قیمت مصرف‌کننده، اطلاعاتی را در مورد ارزیابی نسبی قیمت کالاهای غیرقابل تجارت در کشور خودی و کشورهای خارجی ارائه می‌دهد. بنابراین، این شاخص را می‌توان به‌عنوان معیاری از جابجایی نسبی بین بخش کالاهای قابل تجارت و کالاهای غیرقابل تجارت در کشور خودی و کشورهای خارجی، تفسیر کرد. یکی از مزیت‌های مهم نرخ ارز مؤثر حقیقی مبتنی بر شاخص قیمت‌های مصرف‌کننده آن است که این شاخص برای بسیاری از کشورهایی که شاخص قیمت‌های مصرف‌کننده آن‌ها در دسترس است، می‌تواند محاسبه گردد.

برای محاسبه شاخص نرخ ارز مؤثر حقیقی مبتنی بر شاخص قیمت‌های مصرف‌کننده از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$REER_{CPI} = \prod_{j \neq i} \left(\frac{E_i CPI_j}{E_j CPI_i} \right)^{W_{ij}} \quad (1)$$

که در رابطه فوق:

E_i : نرخ اسمی ارز برای ایران (یعنی یک دلار آمریکا بر حسب واحد پول ملی ایران)

E_j : نرخ اسمی ارز برای کشورهای شریک عمده تجاری ایران (یعنی یک دلار آمریکا بر حسب واحدهای پول ملی کشورهای خارجی)

CPI_i : شاخص قیمت‌های مصرف‌کننده (یا شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی) ایران

CPI_j : شاخص قیمت مصرف‌کننده در کشورهای شریک عمده تجاری ایران

W_{ij} : وزن شرکای عمده تجاری ایران

روش محاسبه به این ترتیب است که ابتدا شاخص قیمت‌های مصرف‌کننده ایران و چهارده شریک منتخب عمده تجاریش (آلمان، ژاپن، ایتالیا، انگلستان، فرانسه، آمریکا، ترکیه، هلند، بلژیک، سوئیس، اسپانیا، سوئد، استرالیا و کانادا) را بر اساس یک سال پایه (۱۳۸۳=۲۰۰۴) تنظیم کرده، سپس نرخ اسمی ارز ایران را در شاخص قیمت‌های مصرف‌کننده شرکای تجاری و نرخ ارز شرکای تجاری را در شاخص قیمت‌های مصرف‌کننده ایران ضرب می‌کنند آنگاه حاصل ضرب نرخ اسمی ارز ایران در شاخص قیمت‌های مصرف‌کننده شرکای تجاری را بر حاصل ضرب نرخ اسمی ارز شرکای تجاری در شاخص قیمت‌های مصرف‌کننده ایران تقسیم کرده و نتایج به‌دست آمده را برای به‌دست آوردن میانگین هندسی، به توان وزن‌های مربوطه آن رسانده و حاصل آن‌ها را در هم ضرب کرده و در نهایت اعداد به‌دست آمده را به‌صورت شاخص در می‌آورند (الکساندر و دس‌رولر^۲، ۱۹۹۷).

۲. مطالعات پیشین

در این بخش، به برخی از مطالعات انجام گرفته در خارج از کشور و سپس به تعدادی از مطالعات داخلی مرتبط با موضوع، اشاره خواهد شد.

۲-۱. مطالعات انجام گرفته شده در خارج

- رازین و کولینز^۱ (۱۹۹۷) برای ۹۳ کشور برای دوره ۱۹۷۵-۱۹۹۲ به بررسی تأثیر متغیرهای بنیادین اقتصادی بر نرخ ارز مؤثر حقیقی پرداخته‌اند. آن‌ها از متغیرهایی مانند رابطه مبادله، جریان بلندمدت سرمایه، موازنه منابع، رشد ستانده نیروی کار نسبت به مازاد رشد پول و شوک‌های کوتاه‌مدت در ستانده، جذب و عرضه پول، به‌عنوان متغیرهای بنیادین اقتصادی مؤثر بر نرخ ارز واقعی استفاده کرده‌اند.

- ماکسول^۲ (۲۰۰۴)، طی مقاله خود به بحث در مورد نرخ ارز مؤثر حقیقی و عوامل مؤثر بر آن در اقتصاد غنا پرداخته است. وی در پژوهش خود به مقایسه انتخاب معیارهای مختلف برای سنجش نرخ ارز مؤثر حقیقی پرداخته و نشان داده که انتخاب سال پایه و شاخص قیمت مصرف‌کننده یا تورم تأثیر بسیار زیادی در نتیجه محاسبات نرخ ارز خواهد داشت.

- شناتز و همکاران^۳ (۲۰۰۵) در مقاله‌ای با عنوان بهره‌وری و نرخ ارز دلار- یورو، آثار بهره‌وری بر روی نرخ ارز دلار- یورو را بررسی کردند. این مقاله با توجه به اثر بالاسا- سامولسون، بر نقش تفاوت بهره‌وری در تعیین نرخ واقعی ارز تمرکز کرده است. به‌منظور تخمین ضرایب الگو در این مقاله از روش یوهانسون استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که بهره‌وری از میانه دهه ۱۹۹۰ حداکثر توانسته است حدود ۱۸ درصد از کاهش ارزش یورو در مقابل دلار را توضیح دهد.

- راون، اسمیت و اوربیه^۴ (۲۰۰۷) با استفاده از مدل خود بازگشت برداری ساختاری (SVAR) و داده‌های فصلی مربوط به چهار کشور صنعتی (آمریکا، انگلستان، کانادا و استرالیا) در دوره زمانی ۲۰۰۵ تا ۱۹۷۵ نشان می‌دهند که افزایش در خریدهای دولتی (مخارج دولتی) منجر به افزایش در سطح تولید و مصرف خصوصی و بدتر شدن تراز تجاری و کاهش ارزش نرخ واقعی ارز می‌شود.

- گالستیان و لن^۵ (۲۰۰۹) به بسط مدل بر پایه اقتصاد باز کوچک دویبخشی برای نوزده کشور عضو اتحادیه اروپایی (EMU) در دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۴ با استفاده از تخمین زنده حداقل مربعات معمولی پویا (DOLS) پرداختند. در این تحقیق آن‌ها نشان دادند که ترکیب اجزای مخارج دولت در پویایی بلندمدت نرخ ارز حقیقی مهم است. نکته کلیدی تحقیق آن‌ها بر این مینا بود که تأثیر تغییر در مخارج دولت با تغییر در سرمایه‌گذاری دولت بر روی نرخ ارز واقعی و سطح قیمت‌های نسبی کالاهای غیرقابل مبادله متفاوت است.

1. Razin and Collin
2. Maxwell
3. Schnatz, et al
4. Ravn, Stephanie Schmitt and Uribe
5. Galstyan & lane

- کاپوراله، چیفری و گیراردی^۱ (۲۰۱۱) با استفاده از تکنیک شبیه‌سازی پویا و در قالب مدل اقتصاد کلان دو کشوری به بررسی تأثیر شوک‌های مالی روی نرخ ارز حقیقی در شش کشور آمریکای لاتین با استفاده از داده‌های فصلی در دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۶ پرداختند. آن‌ها در مطالعه خود برای به‌دست آوردن شوک‌های ساختاری فرض عمود بودن^۲ را روی متغیرهای تولید، درآمد نیروی کار، مخارج دولت و قیمت‌های نسبی اعمال کردند. پس از شناسایی شوک‌ها، با استفاده از ساختار تصحیح خطای برداری و تکنیک‌های شبیه‌سازی پویا (مانند تجزیه واریانس و توابع ضربه-واکنش) به بررسی اثر پویای شوک‌ها بر روی نرخ ارز حقیقی پرداختند. طبق یافته‌های آن‌ها شوک‌های مالی نیروی محرک مهم برای نوسانات نرخ ارز است و یکی از تعیین‌کننده‌های پویای آن است همچنین شوک‌های مالی یکی از عوامل مؤثر در تغییر رقابت‌پذیری در کشورهای مورد بررسی بوده است.

۲-۲. مطالعات انجام‌گرفته شده در داخل کشور

- صباغ کرمانی و شقاقی شهری (۱۳۸۴) به بررسی عوامل مؤثر بر نرخ ارز واقعی در ایران طی سال‌های ۱۳۳۸-۱۳۸۰ پرداخته‌اند. در این مقاله از یک الگوی خودرگرسیون برداری (VAR)، تحلیل تکانه واکنش و تجزیه واریانس برای بررسی متغیرهای مختلف استفاده شده است. به‌طور کلی نتایج حاصل از این مطالعه نشان می‌دهد که طی دوره مزبور، افزایش کسری بودجه دولت، رابطه مبادله و حجم پول سبب افزایش نرخ ارز واقعی در ایران شده و برعکس افزایش در متغیرهای مالیات بر واردات، خالص دارایی‌های خارجی و نیز قیمت‌های نفتی از عوامل کاهنده نرخ ارز به حساب می‌آید.

- نجفی و پرقندان (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای به تعیین عوامل اساسی مؤثر بر نرخ ارز واقعی در اقتصاد ایران در دوره ۱۳۵۲-۱۳۸۶ می‌پردازند. به این منظور از یک الگوی خود توضیح با وقفه‌های گسترده استفاده شده است. نتایج به‌دست آمده از مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد که متغیرهای مخارج دولتی، جریان ورودی سرمایه و درآمدهای نفتی در کوتاه‌مدت بر نرخ ارز واقعی اثر منفی و متغیر درجه باز بودن اقتصاد اثر مثبت دارد. اما در بلندمدت متغیرهای هزینه‌های دولتی، جریان ورودی سرمایه، درآمدهای نفتی و رابطه مبادله تجاری دارای اثر منفی بر نرخ ارز واقعی هستند و متغیرهای درجه باز بودن اقتصاد و نرخ بهره حقیقی جهانی بر نرخ ارز واقعی ایران اثر مثبت دارد.

- کازرونی، رضازاده و فشاری (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان رهیافت پولی نسبت به نرخ ارز اسمی به بررسی تأثیر متغیرهای پولی بر نرخ ارز اسمی طی سال‌های ۱۳۴۰-۸۴ با استفاده از روش هم‌انباشتگی جوهانسن - جوسیلیوس مدل پولی نرخ ارز را تخمین زده‌اند. نتایج حاصل از تحقیق دلالت بر این دارد که متغیرهای پولی اختلاف نرخ تورم و حجم نقدینگی تأثیر مثبت و اختلاف متغیر تولید ناخالص داخلی واقعی تأثیر منفی و معنادار بر نرخ ارز اسمی در بازه مورد مطالعه داشته است.

- همتی و مباشرپور (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای با عنوان منابع نوسان نرخ‌های اسمی و حقیقی ارز در یک اقتصاد متکی به نفت: مورد ایران به بررسی تغییرات نرخ ارز حقیقی به شوک‌های حقیقی و اسمی در بازه ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۷ با استفاده از مدل VAR ساختاری^۱ و فرض خنثی بودن شوک‌های اسمی در بلندمدت بر نرخ ارز حقیقی پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که شوک‌های حقیقی نقش غالب را در توضیح تغییرات نرخ حقیقی ارز ایفا می‌کنند.

- طیبی و اسماعیلی رزی (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان تأثیر بهره‌وری بخشی بر نرخ واقعی مؤثر ارز در اقتصاد ایران به آزمون اثر بالاسا- ساموئلسون در دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۸ با استفاده از روش ARDL پرداخته‌اند. نتایج حاصل از برآورد الگو حاکی از بهره‌وری نسبی بخش قابل تجارت با ضریب مثبت و بهره‌وری نسبی بخش غیرقابل تجارت با ضریب منفی در کوتاه‌مدت و بلندمدت است، که این نتایج با نظریه اقتصادی یعنی اثر بالاسا- ساموئلسون مطابقت دارد.

در کل، تأثیر مخارج دولت بر نرخ ارز و بی‌ثباتی آن به عوامل بسیار متنوعی ارتباط دارد و به‌طور قطع، قابل پیش‌بینی نیست. از این‌رو مهم‌ترین شاخه از مطالعات تجربی روی سیاست‌های مالی بر این مهم تمرکز می‌کند که آیا سیاست مالی موجب افزایش ارزش یا کاهش ارزش واقعی پول می‌شود که با نگاهی به تحقیقات انجام گرفته در داخل مشخص است که هیچ‌کدام از آنان به اثرپذیری نرخ ارز مؤثر حقیقی از اندازه دولت در اقتصاد از دو بُعد تصدی‌گرایانه و حاکمیتی با روش ARDL نپرداخته‌اند.

۳. معرفی متغیرهای تحقیق

جهت ارائه یک تصویر کلی از اقتصاد کلان کشور و قدرت توضیح‌دهندگی بالای مدل تخمینی، از متغیرهای نرخ ارز مؤثر حقیقی (REER)، شاخص نقش تصدی‌گرایانه دولت^۲ (RGP)، شاخص نقش حاکمیتی دولت^۳ (RSS)، رشد اقتصادی^۴ (EGROWTH)، درجه باز بودن اقتصاد^۵ (OPEN) و درآمد نفتی کشور^۶ (OILR) استفاده شده است. داده‌های این مطالعه با توجه به محدودیت در دسترس بودن آمار، از سال ۱۳۷۱ فصل اول تا سال ۱۳۹۰ فصل دوم را شامل می‌شوند. اگرچه سعی بر این بوده که تا حد امکان، اطلاعات و داده‌های آماری مورد استفاده از یک منبع استخراج شوند؛ ولی متأسفانه به‌دلیل کمبود اطلاعات مورد نیاز مجبور به استفاده از منابع مختلف شده‌ایم، به‌طوری که، اکثر اطلاعات از سایت رسمی بانک مرکزی ایران و داده مربوط به نرخ ارز از سایت IMF وابسته به صندوق بین‌المللی پول^۷ استخراج شده است.

1. SVAR

۲. این شاخص اولین بار توسط صادقی شاهدانی، ندری و قلیچ (۱۳۸۸) معرفی شده است.
۳. همان.
۴. این متغیر از مطالعات بالاسا و ساموئلسون (۱۹۶۴) برگرفته شده است.
۵. این متغیر از مطالعات ادواردز (۱۹۹۸) برگرفته شده است.
۶. این متغیر از مطالعات پی ریت تا (۱۹۹۹) برگرفته شده است.

7. International Money Fund

همچنین از دو متغیر موهومی D1 و D2 برای سال‌های ۷۲ و ۸۴ برای افزایش قدرت توضیح‌دهندگی مدل و همچنین خنثی کردن اثرات مربوط به این سال‌ها استفاده شده است. در سال‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱ سیاست‌های ارزی در جهت کاهش تعدد نرخ‌های ارز و حصول به نرخ تعادلی و ایجاد شرایط لازم جهت یکسان‌سازی نرخ ارز به اجرا درآمد، که طبیعتاً اثرات آن تا سال ۷۲ ادامه داشته و در سال ۸۴ کشور با اجرای انتخابات ریاست جمهوری و تغییر سیاست‌های اقتصادی کلان و افزایش قیمت جهانی نفت روبرو بوده است.

پس از بررسی‌های مختلف مدل نهایی به ازای هر تعریف از عوامل مؤثر بر نرخ ارز مؤثر حقیقی، با اضافه نمودن عرض از مبدأ و جمله خطا به تابع، از قرار زیر است:

$$REER = a_0 + a_1 RGP + a_2 RSS + a_3 EGROWTH + a_4 OPEN + a_5 OILR + bDt + Ut \quad (2)$$

طبق تعریف صندوق بین‌المللی پول و مؤسسه توسعه مدیریت^۱ نرخ ارز مؤثر حقیقی به‌عنوان شاخص رقابت‌پذیری اقتصاد بوده و در واقع نشان‌دهنده نسبت قیمت کالاهای غیرقابل مبادله به قیمت کالاهای قابل تجارت است و افزایش نسبی آن به معنای افزایش نسبی قدرت رقابت کالاهای قابل مبادله داخلی در مقابل نوع خارجی آن‌هاست. بنابراین، افزایش در نرخ ارز مؤثر حقیقی بیانگر افزایش قدرت نسبی رقابت کالاهای داخلی با نوع خارجی آن در صحنه تجارت بین‌الملل می‌باشد. در این حالت، افزایش نرخ ارز باعث افزایش توان رقابت‌پذیری کالاهای داخلی می‌شود. بررسی رقابت‌پذیری اقتصادها بخش مهمی از ارزیابی عملکرد اقتصاد کلان کشورها و پایداری سیاست‌های اقتصادی آن‌ها را تشکیل می‌دهد. رقابت‌پذیری را می‌توان توانایی یک کشور برای تولید کالاها و خدمات در سطح استانداردهای بین‌المللی، اما با کارایی هزینه‌ای بالاتر تعریف کرد.

سری‌های زمانی مورد استفاده - که از سایت رسمی بانک مرکزی ایران اخذ شده است - به‌صورت زیر تعریف می‌شوند:

شاخص نقش تصدی‌گرایانه دولت: از نسبت مخارج عمرانی دولت بر تولید ناخالص داخلی به‌دست آمده است. مخارج عمرانی دولت، عبارت است از: اعتباراتی که در بودجه عمومی دولت به تفکیک برای اجرای طرح‌های عمرانی و همچنین توسعه هزینه‌های جاری مربوط به برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی دولت تخصیص داده شده است.

شاخص نقش حاکمیتی دولت: از نسبت مخارج جاری دولت بر تولید ناخالص داخلی به‌دست آمده است. شایان‌ذکر است که مخارج جاری دولت، شامل پرداخت‌های (اعتبارات) جاری است که در بودجه

عمومی دولت به تفکیک برای تأمین هزینه‌های جاری دولت و همچنین هزینه نگهداشت سطح فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی دولت تعیین شده است.

رشد اقتصادی: رشد اقتصادی، فرایندی است که در آن، ظرفیت مولد یک اقتصاد طی زمان افزایش می‌یابد که در این حالت، سطح درآمد و تولید بالا می‌رود. در واقع، رشد اقتصادی ناظر به افزایش ارزش کالاها و خدمات تولیدشده در یک اقتصاد است که معمولاً به‌عنوان درصد افزایش در تولید ناخالص ملی یا درآمد ناخالص ملی اندازه‌گیری می‌شود.

درجه باز بودن اقتصاد: از نسبت مجموع ارزش کل صادرات و واردات بدون در نظر گرفتن نفت، نسبت به تولید ناخالص داخلی به‌دست آمده است.

درآمد نفتی کشور: این درآمد شامل فروش نفت خام، فروش فراورده‌های نفتی و در برخی سال‌ها فروش گاز طبیعی است. همچنین در دهه‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۷۰ شامل درآمد ناشی از مابه‌التفاوت فروش ارز نسبت به نرخ بازار است.

۴. برآورد مدل و تجزیه و تحلیل نتایج

قدم اول در برآورد رگرسیون اطمینان از مانایی متغیرها برای اطمینان از عدم برآورد رگرسیون کاذب و اثبات اعتبار آماره‌های t و F معمولی است. هم‌جمعی بیانگر وجود یک رابطه تعادلی بلندمدت است که سیستم اقتصادی در طول زمان به سمت آن حرکت می‌کند. در این بررسی، آزمون پایایی متغیرهای مدل را به‌وسیله آزمون‌های متداول دیکی- فولر تعمیم‌یافته (ADF) و فیلیپس پرون (PP) انجام می‌دهیم. جدول (۱) نتایج آزمون ریشه واحد دیکی- فولر تعمیم‌یافته و فیلیپس پرون که با استفاده از نرم‌افزار ۶ Eviews انجام شده است را برای متغیرها ارائه می‌نماید.

جدول ۱- نتایج آزمون ریشه واحد دیکی - فولر تعمیم یافته و فیلیپس پرون

آماره	REER	RGP	RSS	EGROWTH	OPEN	OILR
$\tau\mu (ADF)$	۱/۲۱(۰)	*-۳/۱۵(۴)	-۳/۳۵ (۴) *	*-۲/۷۱(۸)	-۱/۱۷(۸)	-۰/۴۴(۲)
$\tau T (ADF)$	-۱/۸۰(۱)	*-۳/۴۵(۴)	-۳/۳۳ (۴) *	*-۴/۶۱(۸)	-۱/۸۹(۸)	-۲/۶۶(۲)
$\tau\mu (PP)$	۰/۹۹(۱)	*-۹/۳۹(۳)	(۱۱) *-۸/۱۸	*-۵/۹۸(۱۵)	*-۴/۰۱(۳)	-۰/۰۸(۱۰)
$\tau T (PP)$	-۱/۷۹(۲)	*-۹/۴۸ (۵)	-۸/۶۲ (۱۸) *	*-۴/۶۳ (۲۰)	*-۵/۴۸(۴)	-۲/۴۹(۷)
	Δ REER	Δ RGP	Δ RSS	Δ EGROWTH	Δ OPEN	Δ OILR
$\tau\mu (ADF)$	*-۶/۷۷(۰)	-	-	-	*-۲/۹۵(۷)	*-۸/۲۱(۱)
$\tau T (ADF)$	*-۷/۰۰(۰)	-	-	-	-۲/۹۳(۷)	*-۸/۲۴(۱)
$\tau\mu (PP)$	*-۶/۷۷(۰)	-	-	-	-	*-۶/۹۴(۲۴)
$\tau T (PP)$	*-۷/۰۱ (۱)	-	-	-	-	*-۸/۴۶(۲۷)

توجه: $\tau\mu$ آماره آزمون ریشه واحد برای مدل با عرض از مبدأ و بدون روند، τT آماره آزمون ریشه واحد برای مدل با عرض از مبدأ و روند، ADF آزمون ریشه واحد دیکی فولر تعمیم یافته و PP آزمون ریشه واحد فیلیپس پرون می‌باشد. اعداد داخل پرانتز در آزمون، ADF تعداد وقفه‌ها می‌باشند که با معیار شوارتز تعیین می‌شوند. در آزمون PP اعداد داخل پرانتز توسط بارتلت-کرنر تعیین شده است. * به معنی رد فرضیه صفر مبنی بر نامانا بودن متغیرها در سطح ۱۰٪ می‌باشد.

نتایج جدول (۱) نشان می‌دهد که برای متغیرهای RGP ، RSS ، $EGROWTH$ قدر مطلق آماره ADF محاسبه شده در سطح، از قدر مطلق مقادیر بحرانی مکینون بزرگتر است، از این رو ایستا یعنی $I(0)$ هستند؛ ولی متغیر $REER$ ، $OILR$ ، $I(1)$ می‌باشد. البته نتایج آزمون فیلیپس پرون نیز حاکی از مانا بودن تمامی متغیرهای مدل به جز نرخ ارز مؤثر حقیقی و درآمد نفتی است. با توجه به اینکه همه متغیرها در مرتبه یکسانی ایستا نیستند برای برآورد مدل از الگوی خود توضیح با وقفه‌های توزیعی ($ARDL$) استفاده خواهیم کرد. زیرا در این الگو توجه به درجه همبستگی متغیرها مهم نیست و همچنین با تعیین وقفه‌های مناسب برای متغیرها می‌توان مدل مناسب را بدون پیش داوری و استفاده از نظریه‌های اقتصادی انتخاب کرد. براساس ضابطه شوارتز- بی‌زین حداکثر وقفه بهینه مدل ۲ انتخاب می‌شود. علت استفاده از این ضابطه این است که این معیار در تعیین وقفه‌ها صرفه جویی می‌کند و در نتیجه از درجه آزادی بیشتری برخوردار است، به همین دلیل برای نمونه‌های کوچک بسیار مناسب می‌باشد. در تخمین مدل با الگوی $ARDL$ ابتدا مدل پویای کوتاه مدت آن به صورت جدول (۵) ارائه می‌شود

که وقفه بهینه متغیرها براساس معیار شوارتز - بیزین به صورت (۲۰۰۲، ۲۰۱۰) ARDL است. قبل از پرداختن به نتایج لازم به توضیح است که شرط گرایش الگوی پویای برآورد شده در روش خودبازگشتی با وقفه‌های توزیعی به سمت تعادل بلندمدت، این است که وجود رابطه بلندمدت بین متغیرهای تحت بررسی اثبات شود. اما همان‌طور که مشخص شد به دلیل اینکه همه متغیرها هم جمع (ایستا) از یک درجه نیستند، از این‌رو به منظور بررسی وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها از روش انگل گرنجر و یوهانسن و یوسیلیوس نمی‌توان استفاده کرد، زیرا شرط استفاده از این روش‌ها هم جمع بودن متغیرها از یک درجه است. بنابراین در این تحقیق برای بررسی وجود رابطه بلندمدت میان متغیرهای تحقیق از آزمون کرانه‌ها به هم‌جمعی یا همان باند تست (آزمون والد) که توسط پسران و همکاران^۱ (۲۰۰۱) ارائه شده استفاده خواهیم کرد. الگوی تصحیح خطای الگوی خود توضیح با وقفه‌های توزیعی برای مدل تحقیق (مدل شماره ۵) که توسط پسران ارائه شده به صورت زیر خواهد بود:

$$\begin{aligned} \Delta \text{LnREER}_t = & c_0 + \sum_{k=1}^p \alpha_k \Delta \text{LnREER}_{ij,t-k} + \sum_{k=1}^q \beta_k \Delta \text{LnRGP}_{i,t-k} + \\ & \sum_{k=1}^q \gamma_k \Delta \text{LnRSS}_{i,t-k} \\ & + \sum_{k=1}^q \theta_k \Delta \text{LnEGROWTH}_{i,t-k} + \sum_{k=1}^q \delta_k \Delta \text{LnOPEN}_{i,t-k} + \\ & \sum_{k=1}^q \epsilon_k \Delta \text{LnOILR}_{i,t-k} + \theta \text{ecm}_{t-1} + D_t + \epsilon_t \end{aligned}$$

اگر فرضیه $H_0 = \beta_1 = \beta_2 = \beta_3 = \beta_4 = 0$ رد شود، وجود رابطه بلندمدت در مدل تعیین می‌شود. دو گروه از مقادیر بحرانی با توجه به تعداد رگرسورها جهت انجام آزمون کرانه‌ها توسط نارایان (۲۰۰۵) و پسران و همکاران (۲۰۰۱) برای آزمون F فراهم شده است. یکی بر این اساس است که تمام متغیرها پایا هستند و دیگری بر این اساس است که همگی ناپایا (با یک‌بار تفاضل‌گیری پایا شده) هستند. اگر F محاسباتی در خارج از این مرز قرار گیرد، یک تصمیم قطعی بدون نیاز به دانستن این‌که متغیر $I(0)$ یا $I(1)$ باشند، گرفته می‌شود. اگر F محاسباتی فراتر از کرانه بالایی قرار گیرد، فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بلندمدت رد می‌شود و اگر پایین‌تر از کرانه پایینی قرار گیرد، فرضیه صفر مذکور پذیرفته می‌شود (بهتر است برای نمونه‌هایی با حجم بین ۳۸ تا ۸۰ آماره F محاسبه‌شده با مقادیر نارایان مقایسه بشود).

در جدول (۲) مقادیر آزمون کرانه‌ها (آزمون والد) آورده شده است. چنانچه آماره F به دست آمده از محاسبات با مقادیر بحرانی گزارش شده توسط نارایان (۲۰۰۴) مقایسه شود و آماره بزرگ‌تر از مقدار کرانه بالا باشد، رابطه بلندمدت بین متغیرها برقرار است. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که رابطه بلندمدت بین متغیرها وجود دارد. مقادیر بحرانی برای آزمون کرانه‌ها که توسط نارایان ارائه شده است به شرح زیر است.

1. pesaran, shin & smith(2001)

جدول-۲. مقادیر بحرانی برای آزمون کرانه‌ها

K=6	0/01		0/05		0/1	
N=80	I (0)	I (1)	I (0)	I (1)	I (0)	I (1)
FIII	۳/۱۷	۴/۴۸	۲/۴۳	۳/۵۱	۲/۰۸	۳/۱۰
FIV	۳/۴۵	۴/۹۴	۲/۶۲	۳/۸۶	۲/۲۳	۳/۳۸
FV	۳/۱۷	۴/۴۸	۲/۴۳	۳/۵۱	۲/۰۸	۳/۱۰

توجه: N تعداد رگرسورها در مدل است. FIII نمایانگر آماره F مربوط به مدل با عرض از مبدأ غیرمقید و بدون روند است. FIV نمایانگر آماره F مربوط به مدل با عرض از مبدأ غیرمقید و روند مقید می‌باشد و FV نمایانگر آماره F مربوط به مدل با عرض از مبدأ و روند غیر مقید است. نتایج به‌دست آمده از آزمون کرانه‌ها (آزمون والد) برای رگرسیون سوم، حاکی از آن است که رابطه بلندمدت بین متغیرها در دو مدل با عرض از مبدأ غیرمقید و روند مقید FIV و مدل با عرض از مبدأ و روند غیر مقید یعنی مدل FV در سطح اطمینان ۱۰ درصد وجود دارد.

جدول-۳. نتایج آزمون کرانه‌های هم‌جمع (باند تست) برای وجود رابطه بلندمدت

نوع مدل	FIII	FIV	FV
F محاسبه شده	۱/۰۹	۴/۳۷*	*۵/۰۹

مأخذ: نتایج تحقیق

توجه: * معنی‌داری آماره F را در سطح ۱۰٪ نشان می‌دهد که با مقادیر بحرانی گزارش شده توسط نارایان مقایسه شده است.

پس از اطمینان از وجود رابطه بلندمدت میان متغیرها و عدم وجود رگرسیون کاذب با استفاده از مدل با عرض از مبدأ و روند غیرمقید به برآورد مدل می‌پردازیم. جدول (۴) نتایج رابطه بلندمدت و تخمین ضرایب آن را نشان می‌دهد.

جدول-۴. رابطه بلندمدت در مدل

متغیر	C	RGP	RSS	EGROWTH	OPEN	OILR
ضرایب	۷۲/۳۸	-۳۶۷/۰۵	۳۵۰/۹۶	۲۶۹۶/۸۶	-۱۱۱/۴۴	-۰/۰۰۱
t(احتمال)	(۰/۰۰۳)۳/۰۶	-۱/۹۳ (۰/۰۵۶)	۲/۲۶۲ (۰/۰۲۶)	(۰/۰۰۰)۳/۸۶۶	-۳/۶۱ (۰/۰۰۰)	-۱/۴ (۰/۱۴۲)

مأخذ: نتایج تحقیق و خروجی نرم‌افزار Eviews6

آنچه از جدول بالا بر می‌آید حاکی از وجود رابطه منفی و معناداری در بلندمدت میان نرخ ارز مؤثر حقیقی و شاخص تصدی‌گری دولت و رابطه مثبت و معنادار میان شاخص نقش حاکمیتی و نرخ ارز مؤثر

حقیقی است. پس با افزایش تصدی‌گری دولت در اقتصاد، نرخ ارز کاهش یافته و توان رقابت‌پذیری کالاهای داخلی کاهش می‌یابد و با افزایش حاکمیت دولت توان رقابت‌پذیری کالاها افزایش می‌یابد. همچنین، میان رشد اقتصادی و نرخ ارز هم رابطه مثبت و معنادار وجود دارد که حاکی از این واقعیت اقتصادی است که هر قدر رشد اقتصادی بالایی داشته باشیم، توان رقابت‌پذیری کالاهای داخلی افزایش چشم‌گیری می‌یابد. البته شایان‌ذکر است که در این رگرسیون رشد اقتصادی دارای بیش‌ترین تأثیر بر نرخ ارز و به‌عبارتی مهم‌ترین عامل بر نرخ ارز مؤثر حقیقی است.

همچنین معناداری درجه باز بودن اقتصاد حاکی از اثرگذار بودن این متغیر سیاستی بر نرخ ارز مؤثر حقیقی و اهمیت این سیاست‌ها برای تقویت قدرت رقابت‌پذیری کالاهای داخلی می‌باشد. همچنین، همانند تحلیل‌های بالا، وجود رابطه منفی میان این دو متغیر دور از انتظار نیست، زیرا با وضع تعرفه و یا افزایش تعرفه موجود، دسترسی به کالاهای خارجی برای مصرف‌کنندگان داخلی سخت‌تر و پرهزینه‌تر شده و این امر باعث ایجاد فرصتی مناسب برای تولیدکنندگان داخلی خواهد شد تا قدرت رقابت‌پذیری کالاهای خود را با مشابه‌های خارجی افزایش دهند و در نهایت رابطه منفی میان درآمدهای نفتی دولت و نرخ ارز حقیقی مؤثر بیانگر این نکته است که با افزایش این درآمدها توان رقابتی کالاهای داخلی کمتر می‌شود، البته، متغیر درآمدهای نفتی در سطح اطمینان ۱۰ درصد معنادار نیست.

در تخمین مدل با الگوی ARDL سپس مدل پویای کوتاه‌مدت آن به‌صورت جدول (۵) ارائه می‌شود که وقفه بهینه متغیرها بر اساس معیار شوارتز-بیزین به‌صورت $ARDL(2,0,2,1,1)$ می‌باشد. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌کنیم در کوتاه‌مدت، افزایش تصدی‌گری و حاکمیت دولت منجر به کاهش توان رقابتی کالاهای داخلی می‌شود. همچنین ملاحظه می‌گردد که ضریب تصحیح خطای مدل کوچک‌تر از یک و از نظر آماری معنادار است و منفی بودن آن یعنی هر عدم تعادلی در بلندمدت به سمت تعادل حرکت می‌کند، ضریب تصحیح خطای مدل که برابر با $-0/265$ می‌باشد، نشان می‌دهد در هر دوره حدود ۲۶ درصد از عدم تعادل‌های بی‌ثباتی نرخ ارز مؤثر حقیقی برطرف می‌شود و کمتر از چهار دوره لازم است تا خطای تعادل کوتاه‌مدت تصحیح شود و مدل به تعادل بلندمدت بازگردد. همچنین نتایج حاصل از تخمین مدل پویای تعیین وقفه بهینه نیز در جدول (۵) بیان شده است که در آن آماره $F=290/453$ دلیلی بر معناداری کلی رگرسیون است.

جدول - ۵. مدل پویای تعیین وقفه نمونه

نتایج الگوی تصحیح خطای ECM			الگوی پویای کوتاه مدت (تعیین تعداد وقفه بهینه)		
متغیرهای توضیحی	ضرایب	آماره t (احتمال)	متغیرهای توضیحی	ضریب	آماره t (احتمال)
dREER(-1)	۰/۱۹۸	۲/۲۱ (۰/۰۳)	REER(-1)	۱۳۰/۱	۹/۶۳ (۰/۰۰)
d RGP	۳۸/۵۸۰	۱/۵۸ (۰/۱۱)	REER(-2)	-۰/۱۸۲	۱/۵۵- (۰/۱۲)
d RGP(-1)	-۴۲/۶۶۲	-۲/۴۵ (۰/۰۱)	RGP	-۲۶/۱۴۸	-۰/۷۹ (۰/۴۳)
d RSS	۴/۲۳۱	۰/۲۵ (۰/۷۹)	RSS	-۱۱/۶۶۰	-۲/۴۸ (۰/۶۲)
RSS(-1)	۷۴/۵۱۶	۴/۳۱ (۰/۰۰)	RSS(-1)	۱۸/۴۳۹	۱/۳h (۰/۳۰)
dEGROWTH	۷۶۶/۰۲۶	۲/۷۱ (۰/۰۰)	RSS(-2)	-۴۷/۷۱۴	-۲/۷۱ (۰/۰۰)
dEGROWTH(-1)	-۹۰/۱۱۶۳	-۳/۴۶ (۰/۰۰)	EGROWTH	۹۴۲/۷۴۹	۲/۷۰ (۰/۰۰)
d OPEN	-۲۷/۳۹۶	-۵/۰۸ (۰/۰۰)	EGROWTH(-1)	-۳۶۶/۳۸۱	-۰/۹۲ (۰/۳۵)
dOILR	-۰/۰۰۳	-۱/۹۱ (۰/۰۳)	EGROWTH(-2)	۴۸۵/۷۹۳	۱/۶۰ (۰/۱۱)
Ddu72	۷/۴۹۷	۲/۱۵ (۰/۰۳)	OPEN	-۲۰/۳۲۷	-۲/۷۰ (۰/۰۰)
Ddu79	۰/۹۵۹	۰/۲۷۹ (۰/۷۸)	OPEN (-1)	۱۱/۲۱۰	۱/۵۱ (۰/۱۳)
C	۰/۴۲۳	۱/۰۲ (۰/۳۱)	dOILR	-۰/۰۰۵	-۲/۱۸ (۰/۰۳)
ECM	-۰/۲۵۶	-۶/۳۶ (۰/۰۰)	Ddu72	۱/۵۸۴	۰/۷۴ (۰/۴۶)
R ² = ۰/۵۴۶	۲/۳۱۰ DW=	(۰/۰۰) F= ۶/۳۳۲	Ddu79	۲/۹۱۶	۱/۲۵ (۰/۲۱)
			C	۱۲/۴۶۹	۲/۰۵ (۰/۰۴)
			R ² = ۰/۹۸۵	۲/۰۷۱ DW=	(۰/۰۰) F=۲۹۰/۴۵۳

فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان / سال دوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۹۳

آزمون‌های تشخیصی مدل اعم از آزمون نرمالیتی، همگی (با توجه به آماره F و LM) قابل قبول هستند و بیانگر این نکته هستند که مدل مشکل خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس ندارد و مدل نیز درست تصریح شده است.

جدول ۶- آزمون‌های تشخیصی مدل

version	آزمون خود همبستگی		آزمون ناهمسانی واریانس		آزمون نرمال بودن		آزمون تورش تصریح مدل	
	آماره	احتمال	آماره	احتمال	آماره	احتمال	آماره	احتمال
LM	۲/۵۲	۰/۲۸۲	۰/۰۰۰	۰/۹۸۹	۱۰/۶۶۹	۰/۰۰۴	۱/۷۶	۰/۱۸۴
F version	۱/۰۱	۰/۳۶۸	۰/۰۰۰	۰/۹۸۹	----	----	۱/۴۰	۰/۲۴۰

مأخذ: یافته‌های محقق از خروجی نرم‌افزار Eviews6

در جدول (۷) نتایج آزمون علیت گرنجر براساس VECM ارائه شده است. مشاهده می‌شود که احتمال مربوط به آماره F در ردیف اول بزرگ است، نمی‌توان رابطه علیت کوتاه‌مدت از متغیرهای مستقل مدل به نرخ ارز مؤثر حقیقی را پذیرفت. همچنین، با توجه به اینکه آماره t جمله تصحیح خطا مربوط به نرخ ارز مؤثر حقیقی در ردیف اول از نظر آماری معنادار است، می‌توان وجود رابطه علیت غیرمستقیم از مجموعه متغیرهای مستقل به نرخ ارز را در سطح ۵ درصد پذیرفت. با توجه به آماره t جمله تصحیح خطا در ردیف دوم تا ششم مربوط به جدول (۷) نمی‌توان وجود رابطه علیت دوطرفه میان نرخ ارز مؤثر حقیقی و سایر متغیرهای تحقیق را پذیرفت.

جدول ۷- نتایج آزمون علیت گرنجر

	REER	RGP	RSS	EGROWTH	OPEN	OILR	ECM
REER	-	۰/۲۱۵	۰/۲۳۰	۰/۰۱۱	۰/۴۳۹	۰/۵۰۱	۰/۰۴۶
RGP	۰/۵۳۴	-	۰/۰۲۹	۰/۵۶۲	۰/۰۰۶	۰/۵۳۴	۰/۶۰۴
RSS	۰/۳۲۷	۰/۰۰۵	-	۰/۲۰۱	۰/۰۰۰	۰/۳۸۶	۰/۵۰۶
EGROWTH	۰/۳۲۲	۰/۵۰۹	۰/۰۶۰	-	۰/۳۱۷	۰/۴۳۴	۰/۰۰۰
OPEN	۰/۱۶۴	۰/۶۷۹	۰/۶۱۳	۰/۰۲۰	-	۰/۴۶۶	۰/۸۱۱
OILR	۰/۵۰۴	۰/۰۴۷	۰/۱۳۴	۰/۴۸۷	۰/۴۲۵	-	۰/۳۸۱

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این پژوهش با استفاده از داده‌های فصلی سال‌های ۱۳۷۱-۱۳۹۰ و رهیافت آزمون کرانه‌ها در مدل‌های خودرگرسیون با وقفه‌های توزیعی؛ آثار بلندمدت شاخص تصدی‌گری و حاکمیتی دولت بر توان رقابت‌پذیری کالاهای داخلی در صحنه بین‌الملل مبتنی بر نرخ ارز مؤثر حقیقی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان‌دهنده این واقعیت هستند به‌طوری که در بلندمدت و کوتاه‌مدت تصدی‌گری دولت دارای رابطه منفی با نرخ ارز مؤثر حقیقی بوده که این امر باعث افزایش تولید کالاهای غیرقابل مبادله در مقابل کالاهای قابل مبادله شده و باعث کاهش توان رقابتی کالاهای داخلی می‌گردد. همچنین در بلندمدت شاخص نقش حاکمیتی دولت دارای رابطه مثبت با نرخ ارز مؤثر حقیقی است که نویدبخش این امر می‌باشد که با تصویب و اجرای صحیح قوانین در بلندمدت، می‌توان شاهد افزایش رقابت‌پذیری کالاهای داخلی بود؛ اما به دلیل وجود بوروکراسی‌های فراوان در کشور و عدم اطلاع‌رسانی صحیح در کوتاه‌مدت می‌توان شاهد وجود رابطه منفی میان نقش حاکمیتی دولت و نرخ ارز بود.

رشد اقتصادی دارای تأثیر مثبت بر رقابت‌پذیری و دارای بیش‌ترین تأثیر در بلندمدت بر نرخ ارز مؤثر حقیقی است که نشان‌دهنده اهمیت این متغیر در اقتصاد کشور و رقابت‌پذیری کالاهای داخلی می‌باشد. درجه باز بودن اقتصاد در بلندمدت و کوتاه‌مدت دارای تأثیر منفی معنادار بر نرخ ارز می‌باشد. پس با وضع تعرفه گمرکی می‌توان از رقابت‌پذیری کالاهای داخلی در عرصه بین‌المللی در ایران، حمایت کرد. البته تأثیر این متغیر در کوتاه‌مدت کم بوده و در بلندمدت تأثیر خود را به‌خوبی بر رقابت‌پذیری نشان می‌دهد. درآمدهای نفتی در این مدل عامل بازدارنده در افزایش توان رقابت‌پذیری است؛ اما این درآمدها در بلندمدت در سطح ۱۰ درصد معنادار نمی‌باشد.

ضریب ECM این رگرسیون ۰/۲۶۵- می‌باشد که نشان می‌دهد در هر دوره حدود ۲۶ درصد از عدم تعادل‌های بی‌ثباتی نرخ ارز حقیقی مؤثر برطرف می‌شود و کمتر از چهار دوره لازم است تا خطای تعادل کوتاه‌مدت تصحیح گردد و مدل به تعادل بلندمدت بازگردد.

در پایان لازم به ذکر است که رقابت‌پذیری، صرفاً به ارزیابی قیمت‌ها و هزینه‌ها بستگی ندارد، بلکه به یک سری از عوامل ساختاری دیگری مانند نوآوری فنی و سرمایه‌گذاری در سرمایه فیزیکی و انسانی بستگی دارد. در همین راستا گفته می‌شود که عموماً شاخص‌های رقابت‌پذیری استفاده شده، صفات کیفی رقابت‌پذیری را لحاظ نمی‌کند، در نتیجه ممکن است این شاخص‌ها روندهای اصلی و حقیقی را بیشتر یا کمتر از حد بیان نمایند. در واقع، این امر اشاره به این مطلب دارد که در کنار شاخص‌های رقابت‌پذیری قیمتی باید به شاخص‌های رقابت‌پذیری غیرقیمتی مانند هزینه‌های تحقیق و توسعه نیز که اغلب به‌عنوان یک معیار از فعالیت‌های فنی است، توجه خاص شود.

منابع

- اندرو وینسنت (۱۳۸۹). «نظریه‌های دولت». ترجمه دکتر حسین بشیریه. تهران. نشر نی. ویرایش اول چاپ هفتم.
- پژویان جمشید (۱۳۶۹). «اقتصاد بخش عمومی»، جلد اول، انتشارات جهاد دانشگاهی (دانشگاه تهران)، ۱۳۶۹.
- پژویان جمشید (۱۳۸۹). «اقتصاد بخش عمومی هزینه های دولت». انتشارات جنگل، جاودانه چاپ هشتم ۱۳۸۹، ۲۰۰ نسخه
- پورمقیم جواد (۱۳۷۰). «اقتصاد بخش عمومی»، انتشارات نشر نی، ۱۳۷۰.
- صادقی شاهدانی، مهدی، ندری، کامران و قلیچ، وهاب. (۱۳۸۸). «اثرات نقش حاکمیتی و تصدی‌گری دولت در اقتصاد بر توزیع درآمد به روش ARDL: مطالعه موردی ایران». فصلنامه اقتصاد مقداری، دوره ۶، شماره ۴، ص ۷۳-۱۰۰.
- صباغ کرمانی، مجید و شقاقی شهری، وحید (۱۳۸۴). «عوامل مؤثر بر نرخ ارز واقعی در ایران، رهیافت خودرگرسیون برداری». پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۳۷.
- طیپی، سیدکمیل و اسماعیلی رزی، حسین (۱۳۹۱). «تأثیر بهره‌وری بخشی بر نرخ واقعی مؤثر ارز در اقتصاد ایران (آزمون اثر بالاسا-ساموئلسون)». مجله تحقیقات اقتصادی. دوره ۴۷. شماره ۲. ص ۴۱-۶۰.
- دژپسند، فرهاد و گودرزی، حسین (۱۳۸۸). «بررسی تأثیر کاهش ارزش پول بر تراز پرداختهای ایران (تحقق شرط مارشال لرنر در ایران)». پژوهشهای اقتصادی، سال نهم، شماره سوم، پاییز، ص ۱۵-۴۱.
- درگاهی، حسن (۱۳۸۴). «الگوی اقتصادسنجی کلان-صنعت ایران و آینده نگری اقتصادی». تهران: دانشگاه صنعتی شریف،
- علی بابائی، غلامرضا. (۱۳۶۵). «فرهنگ علوم سیاسی». تهران. انتشارات ویس، جلد اول.
- کولودکو، جی دلبیو (۱۳۸۶). «جهانی شدن و هم سطح شدن با دیگران در اقتصاد گذار». ترجمه حسینعلی تقی تهرانی و جواد طهماسبی. تهران، معاونت پژوهش های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک. پژوهشنامه شماره ۵.
- کازرونی علی رضا، فشاری مجید، ایمان پور نمین آرام، «اثر باز بودن اقتصاد بر بی ثباتی نرخ واقعی ارز (مطالعه موردی ایران)»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۵۷، زمستان ۱۳۸۹، صص ۸۵-

- مجرد، محمد جعفر و علی رازینی، ابراهیم (۱۳۸۶). «رقابت‌پذیری مبتنی بر نرخ ارز مؤثر واقعی در ایران». پژوهشنامه اقتصادی. پاییز. شماره ۲۶ ص ۱۳۱-۱۷۸.
- متوسلی، محمود (۱۳۷۳). «خصوصی‌سازی با ترکیب مطلوب دولت و بازار». (چاپ اول). تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- نوفرستی، محمد (۱۳۸۴). «بررسی تأثیر سیاست‌های پولی و ارزی بر اقتصاد ایران در چارچوب یک الگوی اقتصادسنجی کلان پویا». مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۷۰، پاییز.
- نجفی، بهاء‌الدین و پرفندان، ابوالقاسم (۱۳۸۸). «عوامل مؤثر بر نرخ ارز واقعی در اقتصاد ایران». مجله سیاسی اقتصادی، شماره ۲۷۰، ص ۲۵۸.
- همتی، عبدالناصر و مباشرپور، علیرضا (۱۳۹۰). «منابع نوسان نرخ‌های اسمی و حقیقی ارز در یک اقتصاد متکی به نفت: مورد ایران». فصلنامه‌ی مطالعات اقتصاد انرژی. سال هشتم. شماره‌ی ۲۸. ص ۱۳۵-۱۵۱.
- نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی طی سالیان متفاوت.
- سایت رسمی بانک مرکزی ایران.
- سایت IFS وابسته به صندوق بین‌المللی پول.

- Agustin S. Benetrix & Philip R. Lane. (2009). "Fiscal Shocks and The Real Exchange Rate". IIIS Discussion Paper, No. ۲۸۶.
- Alessandro Zanello & Dominique Desruelle (1997). "A Primer on the IMF's Information Notice System". IMF Working Paper No. ۹۷/۷۱. May ۱۹۹۷
- Balassa, B. (1964). "The purchasing power parity doctrine: a reappraisal", The Journal of Political Economy 72, 584- 596.
- Bahmani-Oskooee, Mohsen & Rehman, Hafez (2005). "Stability of the money demand function in Asian developing countries". Applied Economics. 37, (7), pp 773-792.
- Caporale, Guglielmo Maria Ciferri, Davide Girardi, Alessandr. (2011). "Fiscal shocks and real exchange rate dynamics": Some evidence for Latin America, Journal of International Money and Finance, Vol 30(2011), Issue 5(September), pp709-723.
- Calderon, c. (2004). "Trade Openness and Real Exchange Rate Volatility: Panel Data Evidence". Central Bank of Chile working papers No. 294.
- Dornbusch R. (1976). "Expectations and exchange rate dynamics". Journal of Political Economy, Vol. 84.No.6, pp.1161-1175.
- Eckhard Siggel (2003). "Concepts and Measurements of Competitiveness and Comparative Advantage: Towards an Integrated Approach", Concordia University, Montreal, 2003, pp.5-6.

- Edwards, Sebastian (1998). "Capital Flows, Real Exchange Rates, and Capital Controls: Some Latin American Experiences", NBER Working Paper No. 6800, Issued in November
- Frenkel J. and Mussa M. (1985). "Asset Markets, Exchange Rates and the Balance of Payments". National Bureau of Economic Research Working Papers, No. W1287, pp. 1-25.
- Frenkel, Jacob A., and Assaf Razin. (1996). "Fiscal Policies and Growth in the World Economy". Third Ed., Cambridge, MA: MIT Press
- Narayan, Paresh Kumar (2005). "The saving and investment nexus for China: evidence from cointegration tests". Applied Economics, 18 April 2009, 37.
- Galstyan, Vahagn and Philip Lane (2009), "The Composition of Government Spending and the Real Exchange Rate," Journal of Money, Credit and Banking 41, 1233–1249.
- Haberneier, K., Mesquita, M. (1999), "Long-Run Exchange Rate Dynamics: A Panel Data Study", IMF Working Paper WP/99/50, International Monetary Fund, Washington.
- Institute for Management Development, The World competitiveness year Book, IMD, 2003, pp. 2-3.
- Lipschitz, Leslie and Mc Donald, Donogh (1994). "Real Exchange Rates and Competitiveness: A Clarification of Concepts, and Some Measurements for Europe". IMF Working Paper, No. WP/91/25, (March, 1991).
- Ofair Razin, Susan M. Collins. (1997). "Real Exchange Rate Misalignments and Growth". NBER Working Paper No. 6174 Issued in September 1997 NBER Program(s): IFM
- M. Hashem Pesaran, Yongcheol Shin, Richard J. Smith (2001). "Bounds testing approaches to the analysis of level relationships". Journal of Applied Econometrics. Volume 16, Issue 3, pages 289–326, May/June 2001
- Marsh, Ian. W and Tokarick, Stephen. P (1994). "Competitiveness Indicators: A Theoretical and Empirical Assessment". IMF Working Paper, No. WP/94/29, March.
- Maxwell Opoku-Afari (2004). "Measuring the Real Effective Exchange rate in Ghana". CREDIT Research Paper. No 04/11 pp 35.
- Olivier Blanchard and Roberto Perotti (2001). "An empirical characterization of the dynamic effects of changes in government spending and taxes on output". available at <http://web.mit.edu/blanchar/articles/> and the NBER. Pp: 1- 51.

- R.J. Balvers, J.H. Bergstrand (2002). **“Government expenditures and equilibrium real exchange rates”**. Journal of International Money and Finance 21 (2002) 667–692.
- Ravn, M., Schmitt-Grohe, S. and Uribe, M. (2007). **“Explaining the Effects of Government Spending Shocks on Consumption and Real Exchange Rate”**. NBER Working Papers 13328, National Bureau of Economic Research, Inc.
- Marsh, Ian. W & Tokarick, Stephen. P(1994). **“Competitiveness Indicators: A Theoretical and Empirical Assessment”**, IMF Working Paper, No. WP/94/29, March.
- Schnatz, B., Vijselaar, F., Osbat, C., (2004). Productivity and the (‘synthetic’) euro-dollar exchange rate. Review of World Economics 140, 130.
- Samuelson, P. (1964). **“Theoretical notes on trade problems”**, Review of Economics and Statistics 46, 1-60.
- Stern, N. & J.E. Stiglitz. (1997). —A Framework for a Development Strategy in a Market Economy: Objectives, Scope, Institutions and Instruments, EBRD working papers, No. 20.
- Piritta, Sorsa(1999). **“Algeria-The Real Exchange Rate, Export Diversification, and Trade Protection”**. Policy Development and Review Department, International Monetary Fund. April99.
- Pesaran, M. H(1984). **“Macroeconomic Policy in an Oil-Exporting Economy With Foreign Exchange Controls”**., Econometrica, 51, (1984): 253-270.

The effect of state's role on competitiveness

S.J.Mohseni Zenuzi, S.M.Esmaeili

Received: 13 October 2013

Accepted: 18 February 2014

The real effective exchange rate is regarded as one of the most important factors of international competitiveness. Thus identifying effective sources to offset fluctuations in these variables is very important in any economy. There for, this research aims, are to identify the impact of the enterprise and sovereign state in the long-term and short-term measures on the effective real exchange rate of the economy. In this study, the bounds testing approach application and it used in the Auto-Regressive Distributed Lag method (ARDL) for Quarterly data the period 1371 to 1390. Variables used in this study are: the real effective exchange rate, index of the policies and governance, economic growth, openness and the income of oil. Overall, the findings indicate a negative relationship between the increase of state enterprises in economy and competitiveness goods, and positive long-term relationship between the sovereignty of the government's index and the competitiveness. Somewhat, short-term results are reflects this fact. Error correction factor model is $-0/265$, this show that, in each period, about 26 percent of the imbalances affecting the volatility of the real exchange rate be resolved, and less than four courses are required to balance the error correction term. And model return to long-run equilibrium. The Granger causality test results show that, indirect causal relationship between the independent variables of the real effective exchange rate was at 5% level. Given these findings, the state-run effect on the real effective exchange rate could be accepted stronger.

Classification JEL: *H50, C22, D33*

Keywords: *State, index of State Making Policies, real effective exchange rate, bounds testing (ARDL)*